

از باغهای رسمی تا

باغ خانه‌ها

عادل فرهنگی

کالبدی و زیستی دارد و بخشی دیگر آن آرزوها و آرمان‌ها و تصورات توضیح‌دهنده هستی است. و به یک معنی ابزار هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و نمادشناختی می‌شود. مفهوم مادی باغ از چند درخت در کنار جوی آب شروع می‌شود تا باغی که جنبه کشاورزی دارد یا باغی که دوردور یک شهر را احاطه کرده است و... اوج آن باغی است که خود را از پیرامونش جدا می‌کند. باغهای کشاورزی توسط کرتها و ابراهه‌ها از یکدیگر جدا می‌شوند، ولی این باغ کاملاً از پیرامون خود منفک است. بنابراین وقتی می‌گوییم باغ، همه مفاهیم مادی و معنوی آن به ذهنمان می‌آید. ما برای این همایش آن باغی را مورد بررسی قرار می‌دهیم که از پیرامون خود جداسازی و بر آن «باغ رسمی» نام نهاده‌ایم. این یک مفهوم قراردادی است و هنوز به درستی نمی‌دانیم به آن چه بگوییم. باغ رسمی در اصل فقط به مکان مرتبط نمی‌شود. وقتی بحث کشورشناسی را در حوزه جغرافیا تعریف می‌کنیم و یک سرزمین را توضیح می‌دهیم و از ویژگی‌های آن صحبت می‌کنیم، وقتی به ایران می‌رسیم می‌بینیم که ایران، تنها دارای یک اکولوژی و طبیعت نیست. کوههای البرز در شمال و کوههای زاگرس در غرب و... در سرزمین نیمه‌خشک دشتهای ایرانی نقش بسزا دارند. واقعیت این است که اشکال اولیه باغها را که در دره‌ها شکل گرفته بودند، می‌توانستیم باغ رسمی بنامیم؟ ولی این باغها باغهایی هستند با موضوع تولید و انباشت خوراک. نمونه دیگری می‌آورم در خطه شمال باغ رسمی در فرح‌آباد ساری و چشمه عمارت شکل گرفت. واقعیت این است که این پدیده از فلات مرکزی به خطه شمال رفت و بعدها دیگر تکرار نشد. بنابراین باید گفت که باغ رسمی با حوزه‌هایی از سرزمینی که حضورش مناسبت دارد، شکل گرفته است. دوم این که باغ رسمی با یک نظام اجتماعی نیز پیوند می‌خورد. نظام اجتماعی دوره صفوی باعث شد تا باغهای رسمی در مازندران پدید آیند. باغ با نظام اجتماعی سروکار دارد که در آن روابط اجتماعی تعریف شده است. نگاهی به گذشته

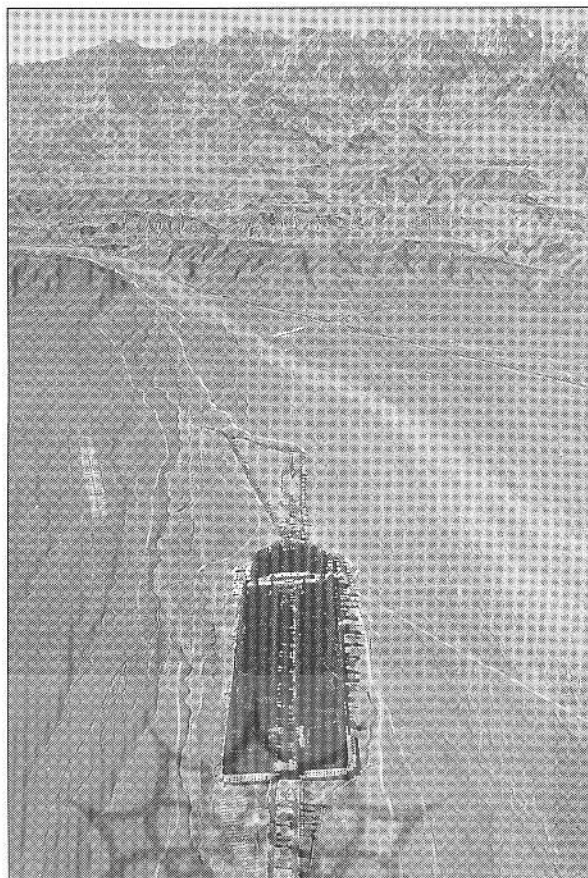
شرایط پذیرش این فرهنگ را داشته‌اند می‌رود و جا خوش می‌کند. ولی همان طور که گفته شد، این فرهنگ در سرزمین میزبان شکل دیگری به خود می‌گیرد. کما این که ما هم از بسیاری از فرهنگها متأثر شده‌ایم و ویژگی‌های متناسب خودمان را به آنها داده‌ایم. بحث ما این است که چرا به این موضوع «باغ ایرانی» گفته می‌شود؟ اگر به معماری، هنر و فلسفه اسلامی اشاره می‌شود، به خاطر چیست؟ به خاطر این است که یک موجودیت مورد مطالعه قرار می‌گیرد که کلیتش زیاد شناخته شده نیست. چنانچه امروزه دیگر کمتر از معماری اسلامی صحبت می‌شود و معماری با نام کشور مورد نظر آورده می‌شود مثل معماری مراکش، معماری ایران. در این سالها تقسیم‌بندی خرد شده و به مکان وابسته شده است. باغ ایرانی زمانی مطرح شده بود که در سلسله مراتب مطالعه غربیها مکان عمده شده بود، به همین دلیل به آن باغ ایرانی گفتند، نه باغ اسلامی مثلاً در چنین وجهی باغ ایرانی به حوزه فرهنگی خاصی که دارای حوزه کلانی نیز هست، وابسته می‌شود.

● ما با موضوعی سر و کار داریم که در سرزمین یا حوزه فرهنگی ایران قابل گفت‌وگوست، و آن باغ است که تاریخ و فرهنگ ایرانی دارد. سوالم این است که سلوک انسان با باغ ایرانی چگونه بوده است که این باغ برای یک ایرانی نماد و آرمان می‌شود و نقش‌های آن با زبان تجربیدی هنر - حتی - به روی قالی، سفال و... می‌رود؟

○ این درست است که این باغ در سرزمین و حوزه فرهنگی ایران وجود دارد و هم گفته می‌شود «باغ ایرانی»، واقعیت این است که باغ ایرانی در ذهن ما ایرانیها اصلاً وجود خارجی ندارد. چون که ما ایرانی هستیم و باغ هم داریم. وقتی می‌گوییم باغ ایرانی، این باغ از ذهن و زبان غربی است که بیان می‌شود. حال باغ در ذهن ایرانیها چیست؟ این مفهومی فراگیر دارد که می‌شود در فرش، مینیاتور، کاشی و... جست‌وجو کرد. بخشی از مفهوم فراگیر باغ جنبه

● تصویر و تصور شما از باغ ایرانی چیست؟
○ اول باید دید که دو واژه «باغ» و «ایرانی» چگونه ترکیب شده‌اند. این هم مثل بسیاری از ترکیب‌هایی است که در غرب به خاطر مطالعه شرق پدید آمده‌اند. بسیاری از واژه‌های آشنا مثل فلسفه اسلامی، معماری اسلامی، هنر اسلامی و... چیزهایی هستند که از طریق غربیها به ما انتقال داده شده‌اند و ما واضح آنها نبوده‌ایم. غربیها به هنگام مطالعه فرهنگ و هنر ما متوجه شدند که این مقوله با آنچه خود دارند و نیز با دیگران متفاوت است و برعکس، این فرهنگ و هنر در چندین کشور اسلامی دارای وجوه مشترک هستند. لذا آن را هنر اسلامی و... نام نهادند. باغ ایرانی هم از این مقوله است. غربیها صفت «ایران» را به باغهایی دادند که در سرزمین ایران وجود داشتند و دارند. و اتفاقاً بعداً مسیر این پدیده را دنبال کردند، و این را که این باغ چگونه به هند می‌رود و از آن جا به غرب و اندلس و تا آن سوی مرزها، و بعد چگونه فرهنگ محلی روی فرهنگ باغ ایرانی اثر می‌گذارد و شکل‌های ویژه دیگری پدید می‌آورد. این امر در حوزه فراکش مجموعه یک فرهنگ بحث جدیدی نیست. در هزاره‌های سوم و چهارم پیش از میلاد این را داریم. در دوره فراغت مصر از سنگ لاچورد استفاده شده است. این سنگها از ناحیه بدخشان به آن سو رفته‌اند. بنابراین این نقل و انتقال مادی در کنار نقل و انتقال هنری، از آن زمان وجود داشته است.

نقل و انتقال در حوزه فرهنگ دو وجه دارد: یکی فرهنگ میزبان و دیگری فرهنگ میهمان. فرهنگ میهمان زمانی که به حدی از توسعه رسید و دارای شاخصه‌های برتر شد، بر حوزه‌های پیرامونی خود اثر می‌گذارد. حوزه‌هایی که از این فرهنگ تأثیر بگیرند، فرهنگ میزبان نامیده می‌شوند. فرهنگ میزبان آنچه را که از فرهنگ میهمان می‌گیرد یا ویژگی‌های فرهنگی خود درهم می‌آمیزد. پس باغ ایرانی با توجه به حوزه فرهنگی ویژه خود، از ایران یا بیرون می‌گذارد و در فرهنگ میزبان - مثل اندلس اسپانیا و شبه جزیره ایبری در غرب تا هند در شرق - که



می‌تواند نمونه‌های مناسبی را پیش‌رویمان قرار دهد. باغ پاسارگاد، پارسه در تخت جمشید، شوش و... در دوره تیموریان در خراسان بزرگ باغهایی را می‌بینیم و نیز در دوره صفویه که حاکمان آنها را ساخته‌اند. با توجه به نظام اجتماعی شاهد برپایی باغهایی هستیم که دهقانان در روستاها تولید می‌کنند. از این نوع باغ دو باغ معروف در بیرجند داریم. اگر یک نظام کشت و کار درست و حساسی وجود نداشته باشد و نیز مدیریت ویژه و شرایط کلی، باغ شکل نمی‌گیرد. البته بحث عمده در این همایش ریزاقلیم یا آمایش سرزمین در مقیاس ریزاقلیم است. حیاط‌خانه‌ها در این ریزاقلیم تعریف می‌شود زیرا که مردم دوست داشتند و دارند - که در حیاط‌خانه‌شان باغچه

ایجاد کنند. پس در این جا شاهد دو نوع باغ می‌شویم: باغهای رسمی که حاکمان می‌سازند و دیگر باغ‌خانه‌ها که در حیاط مرکزی خانه‌ها شکل می‌گیرند. به خاطر اقلیم و کمبود آب به شکل کلان نمی‌توان باغ تولید کرد، ولی در مقیاس خرد این امکان وجود خواهد داشت. به همین دلیل است که باغهای موجود در یزد و کرمان بعد از چندی به مراکز شهری تبدیل می‌شوند و مسائل شهری را بیشتر در خانه‌ها مورد بحث قرار می‌دهند. ولی در جایی مثل اصفهان که در آنجا شرایط اقلیمی آماده‌تر هستند، نقاط مدنی در عرصه‌های گسترده شهری شکل می‌گیرد.

● محور گفت‌وگوی ما باغهای رسمی است. مثل باغ فین و چهارباغ. گمان می‌کنم که این نوع باغها فقط براساس دو دو تا چهارتای معماری شکل نگرفته‌اند، اگر چه پایه و اساس آنها باید همین دودوتا باشد.

○ در باغ فین برای مثال براساس مطالعه عکسهای هوایی، قدمت درختها و محورهایی که وجود دارند، باغ دیگری با ابعاد کوچکتر وجود داشته است و نیز باغ دیگری به نام باغ کهنه که پایین‌تر از آن قرار گرفته است. اگر بخواهیم به صراحت صحبت کنیم یکی از آنها را باید باغ تیموری بنامیم. اما در کل، این باغها در

دارد. چشمه باغ شازده نمی‌تواند سوار ماهان بشود. باغ شازده حدود ۱۰۰ تا ۱۱۰ سال سابقه دارد. قبلاً چنین پدیده‌ای وجود نداشته است. پدیده همان ماهان است. مفهوم دیگر باغ، باغ شاه‌نعمت‌الله است که جزء باغ‌مقبره‌هاست. مزارهایی که در خشک‌ترین جاها دورشان می‌کردند و در آنها باغ می‌ساختند. قبل از این که باغ شازده در آن مسیر شکل بگیرد، آرامگاهی آن جاست که باغ منطقه بوده یا رطوبت آن به حدی بوده است که مردم می‌توانستند در آنجا به آرامش دست بیابند و به درک معانی بپردازند. اصلاً سمت و سوی باغ همین معانی است. وقتی که مسائل اولیه انسان یعنی استراحت و تفریح در باغ تأمین شدند انسان در موقعیت اجتماعی خود به دنبال ایجاد فضایی می‌رود برای عالم خیال و اندیشه. مگر این سینا چه می‌کرد؟ این سینا برای دسترسی به منابع و کتاب به این دربار و آن دربار می‌رفت؛ و حاکم چرا کتابها را گرد می‌آورد، برای این که این سیناها را به دربار خود بکشاند.

● درباره معماری کوشک در باغ بفرمایید.

○ کوشک مرحله‌ای از استقرار در باغ است. از باغ به صورت فصلی و موردی استفاده می‌شد. به هنگام استفاده به صورت فصلی، معمولاً نیازی به ساخت و ساز کوشک نبود. می‌توانستند برای مدتی در سردر بیتوته کنند یا در انتهای باغ عمارت داشته باشند. وقتی به صورت موردی در باغ سکنی می‌گزینند مثل کاخ چهلستون اصفهان، وضع فرق می‌کرد. کاخ چهلستون ویژه میهمانان و دید و بازدید بود، و مجموعه حکومتی نیز بود. زمانی که استقرار در باغها رایج شد کوشکهای میانی ساخته شدند. مثال دیگر باغ چشمه‌علی دامغان، باغ فین کاشان، باغ شازده، هشت بهشت... هستند. از زمانی که استقرار در باغ شکل می‌گیرد چه لایه‌های بالای جامعه مثل امرای تیموری و صفوی و چه لایه‌های پایین‌تر مثل امرا و نظامیان، کوشکهای میانی جان می‌گیرند.

منطقه نیمه‌خشک و نیمه بیابانی ایران که رودخانه‌های بزرگ ندارد، شکل گرفته‌اند و البته تنها رودخانه موجود در آن زاینده‌رود است که توانسته از زاگرس فرار کند و به شرق بیاید. بنابراین سرزمینی داریم که آب کم دارد و همین آب کم سفره‌های زیرزمینی را ایجاد می‌کند و در این سفره‌ها انباشته می‌شود. این سفره‌ها، سطوح مختلفی دارند. مقدار زیادی از این آبهای زیرزمینی به صورت چشمه بیرون زده است. بعدها این چشمه‌ها را گرفتند و توانستند بر اساس قواعدی که ویژه ایرانها است قنات را ابداع کنند. حرف من این است که ما نمی‌توانیم وجه کالبدی و جغرافیایی این قضایا را ببینیم و وجوه آرمانی و معرفت‌شناسی را صرفاً عمده کنیم. این دو ویژگی اگر نتوانند در یک جا گرد بیابند، تعریف و مفهوم باغ شکل نمی‌گیرد. بنابراین به نظر من بحث باغ بسیار روشن است. در بستر خشکی مثل ماهان کرمان آب از چشمه‌های بیرون می‌زند. این آب را در مسیری هدایت می‌کنند و در محوطه‌ای دور آن را دیوار می‌کشند و داخل دیوار را به وسیله همین آب سرسبز می‌کنند. چشمه سلیمان باغ فین را سرسبز کرده است. منتهی از آب چشمه سلیمان به درستی استفاده شده است و بخشی از همین آب به مصارف کشاورزی می‌رسیده است. در ماهان کرمان، در فاصله‌ای از «باغ شازده» تا شهر ماهان چشمه دیگری هم وجود دارد که پشت ماهان است. بین ماهان و باغ شازده یک دره قرار

در میان آثار هنری تمدن ایران زمین، باغ جایگاه بارزتری دارد. مبانی عقیدتی و مفاهیم رفتاری در هسته‌های تمدن این مرز و بوم نشان می‌دهد که انسان برای امکان‌پذیر ساختن زندگی در اقلیمی دشوار، تعاملی دائمی و دوستانه با طبیعت داشته‌است.

در طول تاریخ، باغ ایرانی، واحدی آبادان، فضایی محدود و خصوصی و نیز همگانی و نمایانگر اندیشه توسعه پایدار بوده است. یکی از وظایف متخصصان، شناخت، حفاظت، مرمت و بهره‌برداری از اصول علمی-فنی و نیز تجربی-ذهنی باغ‌سازی ایرانی و نیز تلاش در بهره‌وری از نتایج حاصل از این اصول در عرصه زندگی امروز و آینده است.

نخستین همایش باغ ایرانی با مشارکت علمی شرکت‌کنندگان به دستاوردهای بسیار بارز رسیده که پیام‌آور مطالعاتی عمیق و مفید از محورهای تعیین شده و اهداف مورد نظر بوده است که در آینده نزدیک مجموعه سخنرانی‌ها به صورت مکتوب در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت. این همایش دریچه تازه‌ای بر شناخت باغ ایرانی گشود.

شرکت‌کنندگان در این همایش به همراه کمیته علمی، فعالیت در زمینه‌های مشروح ذیل را پیشنهاد می‌نمایند و امیدوارند به همت مسئولان کشور در آینده نزدیک اجرا گردد:

الف. علمی-هنری

- تشکیل گروه پژوهشی باغ ایرانی در پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری با نظارت دبیر همایش و دبیر علمی؛
- ایجاد مرکزی برای گردآوری کلیه اسناد تصویری و متون شناخته‌شده در زمینه باغ ایرانی؛
- بازشناسی و ایجاد آرشیو کامل باغهای ایرانی در گذشته و حال؛
- برپا داشتن نمایشگاه‌هایی به منظور معرفی و باز شناساندن شاخص‌های زیبایی‌شناختی و هنری باغهای ایرانی؛
- ایجاد دبیرخانه دائمی همایش باغ ایرانی به منظور تداوم فعالیت در آینده در پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری؛

ب. معرفی

- انتشار اسناد تاریخی (نوشتاری-تصویری) همراه با بازسازی ترسیمی باغهای تاریخی و ارزشمند ایران؛
- برگزاری سفرهای آموزشی مناسب برای اقشار مختلف؛
- استفاده از رسانه‌های همگانی برای شناساندن فنون و فرهنگ باغ ایرانی؛
- توسعه سایت‌های اینترنتی موجود در خصوص باغ ایرانی؛
- حمایت از پژوهشگران و دست‌اندرکاران باغ ایرانی؛
- تقویت، تجهیز و تشکیل دوره‌های مشترک آموزشی در نهادهای مرتبط برای ارتقاء آموزش، دانش و فنون باغ‌سازی، باغداری و اشاعه نقش آن در فعالیت‌های زیست‌محیطی؛
- ایجاد رابطه علمی، فرهنگی و آموزشی بین دانشمندان، پژوهشگران باغ ایرانی با مراکز تحقیقاتی آموزش عالی در داخل و خارج کشور همانند دانشگاه‌ها و سازمانهای عمرانی (نظیر وزارت مسکن و شهرداری).

ج. حفاظت و مرمت باغ

- تدوین سیاستهای حفاظتی و مرمتی و تعیین حریمهای ویژه باغ ایرانی مانند حریم محیطی، حریم منظر، حریم رفتارها و تدبیر برای بازتاب در طرح‌های توسعه شهری و منطقه‌ای؛
- حفظ منظر و فضاهای طبیعی بارز در محیط زیست؛
- برنامه‌ریزی و تعیین اولویت برای حفاظت و مرمت باغهای تاریخی؛
- بازشناسی شاخص گیاه‌شناختی و سایر فنون باغداری به منظور تدوین برنامه‌های علمی-فنی حفاظت از عناصر زنده باغ ایرانی.

د. مشارکتها

- جذب اعتبار از دستگاه‌های دولتی، عمومی و خصوصی به منظور تحقق بخشی از اهداف حمایت از باغ ایرانی؛
- مشارکت دادن شهروندان در مدیریت باغها، به منظور بهره‌وری اقتصادی و یافتن راهکارهای لازم برای ترفیع سطوح تولیدات و کاربریهای مناسب باغ تحت نظارت پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری؛
- جلب نظر سازمانهای بین‌المللی برای کمکهای مالی به فعالیتهای علمی، فرهنگی، پژوهشی و نیز ایجاد باغ ایرانی.

ه. همکاریهای بین‌المللی

- مشارکت و عضویت فعال در سازمانهای بین‌المللی که به باغهای تاریخی و ارزشمند در تمامی ابعاد آن می‌پردازند؛
- همکاری با متخصصان جهانی در جهت ایجاد تعامل علمی، فنی و فرهنگی؛
- پیشنهاد و ثبت مجموعه باغهای با ارزش تاریخی ایران در فهرست میراث جهانی؛
- برگزاری همایش و نمایشگاههای مرتبط با باغهای ایرانی در دیگر کشورهای جهان.

و. قوانین و مقررات

- تدوین قانون نگهداری و احیاء باغهای شهری (اعم از تاریخی و غیر آن) متکی به سیاستهای حمایتی و تشویقی به شرط جایگزینی قوانین بازدارنده؛
- تأکید بر نقش باغ تاریخی در سازمان فضایی شهرها به منظور انعکاس در ضوابط و مقررات طرح‌های توسعه شهری؛
- پیشنهاد ایجاد بانک زمین به عنوان پشتوانه اراضی معوض جهت تملک باغهای تاریخی؛
- تدوین دستورالعملها و راهکارهای شایسته جهت بازتاب ثروتهای علمی-فنی و تجربی و ذهنی باغ‌سازی ایرانی در عرصه احیاء و ایجاد فضاهای متناسب امروزی به مثابه قلمروی عمومی در شهرها.

ز. جلب حمایتهای مردمی

- ایجاد امکانات مناسب برای تشکیل انجمنهای دست‌اندرکاران باغ ایرانی.